

کسانی که کافر شدند، گفتند که: این (قرآن) دروغی بیش نیست که آن را (به خدا) دروغ بسته است و گروه دیگری (در این کار) او را یاری کرده اند. حقا که سخن بی اساس و ناروا گفته اند.

۵ - وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ انْتَبِهَاهِمْ
تَهْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةٌ وَأَصِيلًا

گفتند (که قرآن) همان افسانه‌های پیشینیان است که آنها را نوشته (و یا برای او نوشته‌اند) و مطالب آن صبح و شام بر او افتاء می‌گردد.

۶ - قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

بگو کسی که اذراهای آسمانها و زمین آگاه است، این قرآن را فرو فرستاده است و او است آمرزنده و مهربان.

* * *

متفکران بزرگ جهان و مصلحان عالم، که رسالت رهبری جامعه انسانی را به دوش می‌گیرند، پیوسته از طرف دشمنان حق، هدف تهمت‌ها، و نسبت‌های ناروایی بوده و مخالفان انقلابهای اصلاحی و نهضت‌های آسمانی، سعی می‌کردند که از حربه «تهمت» حد اکثر استفاده را بنمایند، تا از موقعیت و نفوذ کلمه این رجال نیک‌اندیش و اصلاح‌طلب، بکاهند. دشمنان هوشیار و زیرک و موقع شناس سعی



تفسیر قرآن مجید

سوره فرقان

آیه‌های ۲-۶

حربه

تهمت

۳ - وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا افْتِرَاءُ
اِفْتِرَاءُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا
ظُلْمًا وَزُورًا

می کردند که به رجال وحی و آموزگاران آسمانی، نسبت هائی بدهند که توده های ساده لوح آن را پذیرند و آن چنان نباشد که حتی افراد «دهن بین» و «زود-باور» حاضر به پذیرفتن آن نباشند و نقشه های آنان نقش بر آب گردد.

مثلا در مورد پیامبر گرامی اسلام (ص) این نقشه ناجوانمردانه، کاملاً رهايت شده است، قرآن تهمت ها و نسبت های ناروایی که از آنان نقل میکند، همگی بر این محور دور می زند که این مرد، دروغگو، جادوگر و دیوانه، یا شاهرز بردستی است که محتویات کتاب خود را از دیگران گرفته است و این خود می رساند که رسول گرامی از جهات دیگر آنچنان پاک و پیراسته بود که دشمن نمی توانست به حریم اخلاق و رفتار وی با مردم، تجاوز کند و دست بردی یزند، و او را «نعموذ بالله» به سرقت و دزدی، و یا به تعدی و تجاوز به ناموس مردم و دیگر مسائل منتهم سازد، و اگر امکان داشت، دشمن از آن سر بر نمی ناقت.

اگر او را با عناوینی مانند دروغگوئی و جادوگری و دیوانگی و مانند آنها منتهم ساخت، برای این است که دشمنان حقیقت، پیوسته رجال آسمانی را با این نسبت ها منتهم می کردند، علاوه بر این، چون چنین اتهامات يك رشته امور نامرئی و غیر ملموس است و نفی و اثبات آن مشکل و پیچیده می باشد، دشمن در جعل چنین نسبت ها، خود را موظف برای اثبات نمی داند، و به قول معروف تیری به تاریکی پرتاب می کند که شاید مؤثر افتد. ولی با این همه ذرکی و هوشیاری باز نتوانسته است خود را از

تناقض و پراکنده گوئی مصون بدارد از آنجا که دروغگو حافظه ندارد، در جعل نسبت دچار آشفتگی و تناقض گردیده است.

اینک تحلیلی تهمت هائی که در آیات مورد بحث، وارد شده اند.

۱- **افك افتراه:** «دروغی است که به خدا بسته است» و در آیات دیگری نیز این نسبت از زبان مشرکان نقل شده است (۱)

اکنون ببینیم قرآن چگونه به این نسبت ناروا پاسخ داده است؛ قرآن مجید در سوره یونس به روشترین بیان به این اتهام پاسخ می دهد آنجا که می فرماید:

«و ما كان هذا القرآن ان يفتری من دون الله ولكن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الکتاب لاریب فیه من رب العالمین (یونس آیه ۳۷)»

این قرآن نمی تواند مصنوع غیر خدا باشد، بلکه تصدیق کننده کتابهای پیش، (تورات و انجیل) است و مبین دستورات الهی و آنچه که بر بندگان نوشته است، می باشد و تردیدی در آن نیست که از جانب خدا است.

«ام یقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله و ادعوا من استعظم من دون الله ان کنتم صادقین (یونس آیه ۳۸)»

: بلکه می گویند که قرآن افتراهی است که بخدا بسته است، بگو شما نیز سوره ای مساند آن را بیاورید و جز خدا هر کس را بتوانید به باری خویش بطلید، اگر راست می گوئید.

(۱) از آن جمله سوره سبأ آیه ۲۳: **وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا فِكٌ مَّفْرُوعٌ**؛ گفتند: که این قرآن دروغی است که به خدا افتراء بسته شده است.

محالست که مرغاندیشه دانشمندی به پایه آن برسد
و همچنین دیگر بحث‌های آن.

از این جهت نمی‌توان این کتاب را محصول
مفزانسانی دانست که در شبهه جزیره‌ای که فاقد هر نوع
تمدن و کمال بود، دست به چنین کاری زده است و
لذا می‌فرماید: «وما كان هذا القرآن ان يفتری من
دون الله».

ثانیاً: هرگاه تصور می‌کنید که این قرآن مصنوع
فکر خود «محمد» (ص) است شما هم بر خیزید، دور
هم گردآید، سوره‌ای بسان سوره‌های قرآن بسازید
و در اختیار توده‌ها بگذارید!

۲- «واعانه علیه قوم اخرون»: «گروه دیگری
او را در تنظیم این کتاب یاری می‌کنند». سازنده
این تهمت نضرین حارث بود و مقصود وی از این گروه
چند نفر انگشت شماری مانند «عداس» و «یسار» و
«جبر» است که رومی بودند و در مکه می‌زیستند،
و اطلاعاتی از «عهدین» داشتند و بعداً اسلام آورده
بودند.

قرآن این تهمت را ظلم و ستم و گفتار زور و ناروا
می‌داند، چه گفتاری ناروا تر از این که کلامی را که
فصحان و بلیغان عرب از مبارزه با آن ناتوان
گردیده‌اند، به چند نفر انگشت شماری نسبت بدهند
که تسلط کامل بر زبان عربی نداشتند.

قرآن مجید این تهمت را در جای دیگر از این
ناروا گویان نقل می‌کند و می‌فرماید:

ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر:
ما می‌دانیم که آنان می‌گویند: که بشری (۱) این

دقت در مضامین این دو آیه ما را به دو پاسخ
دندان شکن که برای رد چنین نسبت داده شده است،
راهنمایی می‌کند.

اولاً: در آیه نخست که می‌فرماید: «این قرآن
نمی‌تواند مصنوع غیر خدا باشد در حالی که آن
تصدیق کننده کتابهای پیشین و مبین دستورهای الهی
است» مقصود از این جمله این است که این قرآن با این
جذبه و کشش، با این حلاوت و شیرینی، و ذخائر علمی
و حقائق بلند نمی‌تواند محصول فکر یک بشر باشد
زیرا یک فرد هر چه هم نابغه و اندیشمند باشد،
نمی‌تواند در موضوعات فراوانی که قرآن وارد
شده و بحث نموده و نظرات صائب و قاطع داده
است، وارد گردد و همه جا هم نظریه اش درست
در آید.

هنگامی که قرآن در مباحث عقلی و معارف الهی
سخن می‌گوید بسان فردیست که به تمام مسائل این فن
احاطه پیدا کرده و همه مسائل آن را زیر و رو کرده
و بحث می‌نماید.

هنگامی که در مسائل حقوق و جزائی سخن
می‌گوید، آنچنان واقع بین و مو شکاف و قاطع و
صریح است که تو گوئی منحصصی سخن می‌گوید
که افکار و قوانین خود را قرنها مورد آزمایش قرار
داده و تجربیات خود را به صورت استوارترین قوانین
در آورده است.

نظام اخلاقی قرآن یکی از ارزنده ترین بحث‌های
این کتاب است و آنچنان جامع و شیوایی باشد که

(۱) پیامبر گاهی در «مروه» در کنار غلام مسیحی به نام جبر که بعدها اسلام آورد، می‌نشست و همین کار
سبب جعل چنین نسبت گردید.

بود و تا آن روز قلم روی کاغذ نگذاشته بود، ولی بنا بر معنی دوم فقط يك تهمت خواهد بود .

۵- « تملی علیه بكرة واصیلا » : شب و روز بر او القاء می گردد .

خداوند در آیه بعد، يك پاسخ کلی به تمام این تهمت‌های پنجگانه داده و می فرماید : « بگو این قرآن را آن کسی نازل کرده است که از رازهای زمین و آسمان آگاه است » و علت اینکه در مقسام پاسخگویی روی « احاطه گسترده خود به رازهای زمین و آسمان » تکیه می کند این است که به جامعه مشرکان برساند که وی از افترا و دروغ پراکنی آنان کاملاً آگاه است ، و اگر در آخر آیه خود را « غفور و رحیم » می خواند برای ابراز ترحم و لطف نسبت به بندگسان دروغساز و افتراگر است که هنوز راه توبه و بازگشت باز است و اگر از دروغ پراکنی و جعل اکاذیب دست بردارند، خدا مهربان و آمرزنده است .

آنان در این نسبت‌های ناروا نتوانستند خود را از تناقض‌گویی باز بدارند ، زیرا به مقتضای دو نسبت نخست، آنان الفاظ و مفاهیم قرآن را مصنوع و ساخته قدرت دفاعی محمد می دانند ، که گروهی او را در این کاریاری می کنند، ولی نتیجه تهمت‌های بعدی این است که قرآن کتابی است که از روی کتابهای دیگر استنساخ و رونویسی شده است، و این دو نوع اتهام در ظاهر باهم اختلاف روشنی دارند .

قرآن به او تعلیم می دهد.
قرآن را در رد آن پاسخ پیش را یاد آوری می نماید و می فرماید .

ولسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی مبین (سوره نحل آیه ۱۰۳)

: زبان کسی که به او اشاره می کنند، غیر عربی است در حالی که این قرآن عربی روشن است.

۳- « اساطیر الاولین » افسانه‌های پیشینیان است .

آنان تصور می کردند که داستان عبرت‌انگیز و پندده قرآن، بسان افسانه‌های قهرمانان عرب است که داستانسرایان برای سرگرمی مردم ، در اجتماعات بازگویی می کردند و گاهی تصور می کردند که مضامین قرآن همان مطالب « عهدین » است در صورتی که با يك نگاه هرچه هم سطحی باشد ، بی اساس بودن آن روشن می گردد .

۴- « اکتبها... » : گروهی از مفسران این لفظ را چنین معنی کرده اند که خود پیامبر شخصاً قرآن را از کتابها رونویسی کرده است ، برخی دیگر احتمال می دهند که مقصود از آن این است که از روی کتابها نسخه برداشته هر چند بوسیله دیگران . بنا بر معنی نخست، این لفظ حاوی دو تهمت است یکی اینکه پیامبر مضامین قرآن را از روی کتابی نوشته و یا لا اقل اقتباس نموده است، دیگر اینکه او با دست خود به این کار اقدام نموده و رونویسی کرده است در صورتی که کسانی که با پیامبر آشنائی داشتند، می دانستند که وی يك فرد « امی » و درس نخوانده